

## بررسی و تحلیل مؤلفه‌های تأثر گلشن راز از قرآن کریم و احادیث شریف با تکیه بر هنر آفرینی تضمین و تلمیح و تأثیرپذیری واژگانی

حمید عدالت‌فر<sup>۱</sup>، سید محسن ساجدی راد<sup>۲\*</sup> و محمدعلی آتش سودا<sup>۲</sup>

### چکیده

مثنوی گلشن راز مهم‌ترین و مشهورترین اثر منظوم شیخ محمود شبستری است که در بردارنده اندیشه‌های عرفانی اوست. با وجود حجم اندک، این کتاب یکی از یادگارهای پرارزش ادبیات عرفانی کهن فارسی است که در آن بیان مفاهیم صوفیانه با شور، شوق همراه گردیده است. شبستری این مثنوی را در پاسخ به پرسش‌های امیرحسین هروی سروده است. منظومه گلشن راز از زیبایی لفظ و بیان برخوردار است، بیش از آن که از تخیل سرچشمه بگیرد براساس عقل و حکمت استوار شده است. در واقع مطالب این منظومه خلاصه فتوحات مکّیه و حتی فصوص ابن عربی است. میزان آشنایی و تسلط شیخ محمود شبستری آن عارف بزرگ بر قرآن و احادیث تا اندازه‌ای است که وی در بین بیان رازهای عرفانی خود در قالب تضمین، تلمیح از آیات قرآن کریم و احادیث نبوی بهره می‌گیرد تا نظرات خود را اثبات کند و در این میان بیشترین توجه صاحب گلشن راز به مؤلفه‌های تأثر از قرآن و حدیث به تضمین و تلمیح آیات مبارکه و احادیث شریف است. این مقاله به روش (توصیفی-تحلیلی) می‌کوشد تا تأثیر بلاغی از شگردهای ادبی و اثرپذیری واژگانی را در بهره‌مندی از قرآن و حدیث نشان دهد. ابیات مورد استناد از گلشن راز در این مقاله بر اساس کتاب چاپی دکتر کاظم دزفولیان و اعداد کاربردی به ترتیب صفحه و شماره بیت می‌باشد.

**کلید واژه‌ها:** شیخ محمود شبستری، گلشن راز، قرآن و حدیث، شیوه‌های تأثیرپذیری.

<sup>۱</sup> - دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد فسا، دانشگاه آزاد اسلامی، فسا، ایران.

<sup>۲</sup> - استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد فسا، دانشگاه آزاد اسلامی، فسا، ایران. (نویسنده مسؤل)

<sup>۲</sup> - دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد فسا، دانشگاه آزاد اسلامی، فسا، ایران.

#### مقدمه

شعر و ادب فارسی عرفانی بدون تأثیرات قرآنی و احادیث اسلامی موضوعیت ندارد. آنچه که به ادبیات عرفانی رنگ و بوی الهی و انسانی می‌بخشد قرآن کریم و احادیث نبوی و روایات ائمه اطهار<sup>(ع)</sup> است. بنابراین هیچ سراینده‌ای را در ادب فارسی نمی‌توان یافت که به روش‌های گوناگون متأثر از نور قرآن و احادیث نباشد و حتی بیشتر سراینندگان شعر و ادب فارسی، خود همچون سعدی و مولانا، عطار نیشابوری و سنایی، حافظ قرآن و حدیث بوده‌اند و آثار آنان سرشار از پرتو قرآن و حدیث است.

در قرن هفتم و هشتم با گسترش معارف اسلامی و به اوج رسیدن اندیشه‌های عارفانه، بستر وسیعی برای نشان دادن ظرفیت‌ها و استعدادها در بهره‌گیری از دو منبع فیض الهی و نبوت نمایان می‌شود و در این عرصه شاعران ایرانی با الهام از معانی بلند قرآن و حدیث راهی روشن برای بیان اهداف متعالی خود پیش می‌گیرند. اشعار آنان در واقع آینه تفکر و نگاه واقع‌بینانه‌شان تلفیق معنویت و سلوک عارفانه است تا در راهی روشن، پله پله در مقامات وصل منادی و هادی منبع فیض قرار گیرد.

#### شیخ محمود شبستری

یکی از بزرگ‌ترین عرفا و متفکرین اسلامی بی‌شک شیخ محمود شبستری است. شبستری در نیمه دوم قرن هفتم به دنیا آمده و پس از سال ۷۳۷ ه‍.ق در شبستری فوت کرده است و مدت عمر آن عارف بزرگ حدود ۳۳ سال بوده است. شبستری در تبریز که مانند مراغه و سلطانیه از مراکز مهم حکومت ایلخانان مغول محسوب می‌شد و از سنت‌های عرفانی ریشه‌داری برخوردار داشت، پرورش یافته بود و در سایه عنایت استادان و مشایخ آن دیار با علوم مرسوم زمان و دقائق علم توحید آشنا گشته بود.

بررسی آثار باقی مانده شیخ، تسلط او را بر قرآن و حدیث و کلام و تصوف و فقه و فلسفه نشان می‌دهد. شبستری پیرو مذهب سنت و جماعت بوده و در آراء و عقاید کلامی خود به اشاعره تمایل داشته است. به نظر می‌رسد با توجه به این که شیخ محمود خود می‌گوید مردی سفر کرده و سرد و گرم ایام چشیده و بسیاری از بلاد اسلامی را ده به ده و شهر به شهر دیده است، در این مسافرت‌ها با بسیاری از دانشمندان و عارفان زمان آشنا شده و از مصاحبت آن‌ها توشه‌ها اندوخته است.

بررسی آثار شیخ نشان می‌دهد که با آراء و افکار ابن عربی آشنا بوده و چنانچه خود می‌گوید مدتی از عمر خود را در مطالعه فتوحات مکیه و فصوص الحکم گذرانیده است. از استادان و پیروان شبستری خبری دقیق در دست نیست جز آنکه در منظومه سعادت‌نامه از امین‌الدین نامی به عنوان «شیخ و استاد» خود یاد می‌کند.

شیخ و استاد من امین‌الدین      دادی الحق جواب‌های چنین  
من ندیدم اگر چنان استاد      کافرین بر روان پاکش باد  
(شبستری، ۱۳۷۶: ۱۶۸)

آثار او به نام‌های گلشن‌راز، سعادت‌نامه، حق‌الیقین، مرآت‌المحققین و مراتب‌العارفین است. کتاب معروف او به نام گلشن‌راز از شاهکارهای ادبیات عرفانی کهن فارسی است. این مثنوی که نزدیک به هزار بیت است در بحر هزج مسدس محذوف سروده شده است. در واقع چکیده حکمت نظری صوفیه است. بخش قابل توجهی از منظومه گلشن‌راز تحت تأثیر معارف اسلامی به ویژه قرآن و حدیث است و در واقع شبستری در این منظومه تلاش کرده است تا در قالب تضمین، تلمیح از آیات قرآن کریم و احادیث نبوی و ائمه اطهار(ع) سؤالات حسینی هروی یکی از بزرگان خراسان را قاطعانه پاسخ بدهد و نظر خود را به اثبات برساند.

### بیان مسأله

در بین منظومه‌های عرفانی، مثنوی گلشن راز با جثه کمتر، اما با ژرفای بیشتر، مهم‌ترین اصول عرفان و تصوّف را بیان کرده است که می‌توان آن را مبانی نظری عرفان اسلامی نامید. شخصیت بارز و معنوی شیخ محمود شبستری با روح بزرگ و آزاده و اشرافیت به علوم دینی که زهدان ریایی را به هیچ نمی‌خرد و با ایمان قوی به شناخت حق تعالی در دریای قرآن و احادیث غوطه می‌خورد اهمیت گلشن راز را دو چندان کرده است. مسأله پژوهش پیش رو بررسی این نکته است که چگونه در اشعار گوینده بر پایه نکات قرآنی با همان ساختار عربی بی‌هیچ گونه تغییر و دگرگونی و با بهره‌گیری از قرآن و حدیث و با شگردهای بلاغی گوناگون بسط اندیشه و پرسشگری ادبی را به وجود آورده است.

### پیشینه پژوهش

در بررسی پیشینه تحقیق این مقاله علی‌رغم فراوانی پژوهش در حوزه موضوعات مختلف مربوط به گلشن راز که به گستردگی وجود دارد، مشخص شد که فقط دو مقاله در هم پوشانی این موضوع وجود دارد. مقاله اول با عنوان منبع شناسی احادیث گلشن راز به اهتمام آقای اسماعیل تاج‌بخش و هیوا حسن‌پور است که در مجله متن پژوهی به شماره ۴۹ سال ۱۳۹۰ نسبت به بررسی خاستگاه منابع احادیث پرداخته شده است و مقاله‌ای دیگر، تجلی قرآن و حدیث در گلشن راز از آقای فرشاد عربی است که در مجله ادبستان به شماره ۵۰ در سال ۱۳۹۸ با هدف اشاره به شواهدی از گلشن راز به صورت محدود برای آرایه‌های اقتباس، تضمین و تلمیح روی آورده است، دیده می‌شود.

### بحث و بررسی

شیخ محمود شبستری به عنوان عارفی آگاه به مراتب عرفانی در پاسخ به پرسش‌های مطرح شده از سوی امیر حسینی هروی از دیدگاه ادبی، پاسخ‌هایی مفید که لازمه بحث است ارائه داده

است، اما ارزش واقعی پاسخ‌ها وقتی آشکار می‌شود که جلوه‌های قرآنی و احادیث نبوی در صور مختلف چهره‌گشایی می‌کنند و با نورانیت خود در آرایه‌های ادبی به سرچشمه منبع فیض گام برمی‌دارند. بر این اساس این آرایه‌ها مملو از معارفی هستند که راهی روشن در شناخت عرفانی گلشن راز را دو چندان کرده‌اند.

توانایی که در یک طرفه العین زکاف و نون پدید آورد کونین

(شبستری، ۱۳۷۶، بیت ۳: ۷۴)

تلمیح است به آیه «بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» (بقره/۱۱۷) ترجمه: پدید آورنده آسمان‌ها و زمین است، و زمانی که [به وجود آمدن] چیزی را اراده کند، فقط به آن می‌گوید: باش! پس بی‌درنگ موجود می‌شود. تلمیح: «از ریشه ملح، در لغت به معنی دیدن و نظر کردن و آشکار ساختن و اشاره کردن است و در اصطلاح علم بدیع اشاره به قصه، شعر یا مثل سایر است». (شمیسا، ۱۳۶۶: ۵۶) اما باید دانست هر اشاره، تلمیح نیست و «و بهترین تلمیحات آن است که ذهن شاعر و نویسنده تنها تأثیری از آیه و حدیث پذیرفته باشد». (حلبی، ۱۳۷۷: ۵۶) اثرپذیری تلمیحی: در این شیوه، گوینده سخن خویش را برپایه نکته‌ای قرآنی یا روایی بنا می‌نهد، اما به عمد، آن را با نشانه و اشاره‌ای همراه می‌سازد و به این گونه خواننده اهل و آشنا را به آنچه خود بدان نظر داشته راه می‌نماید و چه بسا خواننده ناآشنا را به کند و کاو و پرس و جو وامی‌دارد و همین است تفاوت آشکار» (راستگو، ۱۳۹۲: ۵۲)

جهان خلق و امر از یک نفس شد که هم آن دم که آمد بازپس شد

(شبستری، ۱۳۷۶، بیت ۱۰: ۷۴)

تلمیح است به آیه «إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يُغْشَى اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ» (اعراف / ۵۴)

ترجمه: به یقین پروردگارش خداست که آسمان‌ها و زمین را در شش روز آفرید، سپس بر تخت فرمانروایی و تدبیر امور آفرینش چیره و مسلط شد، شب را در حالی که همواره با شتاب

روز را می‌جوید بر روز می‌پوشاند، و خورشید و ماه و ستارگان را که مسخر فرمان اویند [پدید آورد] آگاه باشید که آفریدن و فرمان [نافذ نسبت به همه موجودات] مخصوص اوست، همیشه سودمند و با برکت است پروردگار عالمیان.

بر او ختم آمده پایان این راه بدو منزل شده «أدعوا إلى الله»

(شبستری، ۱۳۷۶، بیت ۲۰: ۷۴)

تضمین از آیه «قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ» (یوسف / ۱۰۸)

ترجمه: بگو این راه من است که من و هرکس از من پیروی کرد با بصیرت و بینایی به خدا دعوت می‌کنیم، و خدا منزله است و من از مشرکان نیستم.

اثرپذیری گزاره‌ای: اقتباس و تضمین، در این شیوه گوینده گزاره‌ای یعنی عبارتی قرآنی یا روایی را با همان ساختار عربی بی‌هیچ گونه تغییر و دگرگونی یا با اندک تغییری که در تنگنای وزن و قافیه از آن گریزی نیست درسخن خود جای می‌دهد. این گونه بهره‌گیری از قرآن و حدیث با قصد و غرض‌های گوناگونی انجام می‌پذیرد: تبرک و تیمن، تبیین و توضیح، تعلیل و توجیه، تشبیه و تمثیل، تحذیر و تحریض، تزیین و تجمیل، استشهاد و استناد، نکته‌پردازی، فضل‌فروشی هنر نمایی و... و پیداست که چه بسا پاره‌ای از این‌ها یک جا و باهم نیز زمینه ساز اقتباس می‌توانند باشند. «(راستگو، ۱۳۹۲: ۳۰)

ولی آن بر سبیل اتفاق است نه چون دیو از فرشته استراق است

(شبستری، ۱۳۷۶، بیت ۳: ۷۶)

تلمیح است به آیات «وَحَفِظْنَاهَا مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ رَجِيمٍ، إِنَّا مَنْ اسْتَرَقَ السَّمْعَ فَاتَّبَعَهُ شِهَابٌ مُبِينٌ» (حجر/ ۱۷ و ۱۸)

ترجمه: و آن‌ها را از هر شیطان رانده شده‌ای حفظ کردیم، مگر آنکه بخواهد دزدانه [خبرهای عالم بالا را] بشنود که شهابی روشن او را دنبال می‌کند.

ولی بر وفق قول قائل دین      نکرדם رد سوال سائل دین  
(شبستری، ۱۳۷۶، بیت ۶۴: ۷۶)

تلمیح است به آیه «وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ» (الضحی / ۱۰)

ترجمه: و گدای درخواست کننده را با خشونت از خود مران!

در آ در وادی ایمن زمانی      شنو: «انی انالله» بی گمانی  
(شبستری، ۱۳۷۶، بیت ۸۱: ۷۷)

تضمین از آیه: «فَلَمَّا آتَاهَا نُودِي مِن شَاطِئِ الْوَادِ الْأَيْمَنِ فِي الْبُقْعَةِ الْمُبَارَكَةِ مِنَ الشَّجَرَةِ أَن يَا مُوسَى إِنِّي أَنَا اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ» (قصص / ۳۰)

ترجمه: چون نزد آتش آمد، از راست آن وادی در آن قطعه [زمین] خجسته و پُرخیر، از

درخت ندا آمد که: ای موسی! به راستی این منم خداوند، پروردگار جهانیان!

منزه ذاتش از چند وجه و چون      «تعالی» شانۀ «عما یقولون»  
(شبستری، ۱۳۷۶، بیت ۱۰۹: ۷۹)

تضمین از آیه: «سُبْحَانَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُقُولُونَ عُلُوًّا كَبِيرًا» (الاسراء / ۴۳)

ترجمه: خداوند از آنچه می گویند پاک و منزّه، و بسی برتر و والاتر است

در آلاء فکر کردن شرط راه است      ولی در ذات حق محض گناه است  
(شبستری، ۱۳۷۶، بیت ۱۱۱: ۷۹)

تلمیح است به حدیث نبوی «تفکروا فی آلاء الله ولا تفکروا فی الله» (پاینده، ۱۳۸۲: ۳۸۹)

ترجمه: در نشانه‌های خدا تفکر کنید در ذات خدا تفکر نکنید.

فرشته گر چه دارد قرب درگاه      نگنجد در مقام «لی مع الله»  
(شبستری، ۱۳۷۶، بیت ۱۱۸: ۷۹)

تضمین است به حدیث نبوی: «لِي مَعَ اللَّهِ وَقْتُ لَنَا يَسَعُنِي فِيهِ مَلَكٌ مُّقْرَبٌ وَلَا نَبِيٌّ مُّرْسَلٌ»

(صدرالدین شیرازی، ۱۳۸۶: ۴۰۱)

ترجمه: مرا با خدا وقتی است که در آن حالت گنجایش ندارد نه ملک مقرب و نه نبی مرسل.

علم ملائکه و علم فرشتگان در پرتو علم انسان است. نزدیک‌ترین موجود به خداوند و نزدیک‌ترین علم به حق، علم انسان کامل است، انسان کامل اولیاءالله است.

چو نور او ملک را پر بسوزد خرد را جمله پا و سر بسوزد  
(شبستری، ۱۳۷۶، بیت ۱۱۹: ۷۹)

بنیاد گرفته از حدیث نبوی «لَوْ دَنَوْتُ أَنْمَلَةً لَأَحْتَرَقْتُ» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق: ۳۸۲)

ترجمه: اگر یک بند انگشت از این فراتر بروم بال هایم می سوزد. جبرئیل جلوه‌ای از نور حضرت ختمی مرتبت بود. خود جبرئیل شانی از شوون پیغمبر است. اثر پذیری الهامی - بنیادی: در این شیوه گوینده مایه و پایه سخن خویش را از آیه یا حدیثی الهام می‌گیرد و سروده خویش را بر آن نکته الهام گرفته بنیاد می‌نهد، و سخنی می‌پردازد که آشنایان، آن را با آیه یا حدیثی در پیوند می‌بینند، پیوندی گاه تا آن جا نزدیک و آشکار که سخن را ترجمه‌ای خیلی آزاد (= مضمون گیری) از آیه یا حدیث فرا می‌نماید، و گاه چنان دور و پنهان که پذیرش اثر پذیری را دشوار می‌سازد. «(راستگو، ۱۳۹۲: ۴۷)

سوادالوجه فی الدارین درویش سواد اعظم آمد بی‌کم و بیش  
(شبستری، ۱۳۷۶، بیت ۱۲۶: ۷۹)

تضمین از حدیث نبوی: «الْفَقْرُ سَوَادُ الْوَجْهِ فِي الدَّارَيْنِ» (مجدوب تبریزی، ۱۳۸۷: ۲۵۶)

ترجمه: فقر در هر دو جهان مایه روسیاهی است.

حدیث کنت کنزاً را فروخوان که تا پیدا بینی سر پنهان  
(شبستری، ۱۳۷۶، بیت ۱۳۷: ۸۰)

تضمین از حدیث قدسی: «كُنْتُ كَنْزًا مَخْفِيًّا» (حافظ برسی، ۱۴۲۲: ۴۱)

ترجمه: همانا من گنجی پنهان بودم.



«مضمون حدیث گنج مخفی هم که می‌گوید: كُنْتُ كَنْزًا مَخْفِيًا فَاحْبَبْتَ أَنْ أُعْرَفَ فَخَلَقْتُ الْخَلْقَ لِكَيْ أُعْرَفَ. انسان را در واقع آینه‌ای می‌سازد که حق در آن جلوه‌گری می‌کند و شناخته می‌آید. در مثنوی مورد اشارت است که مولانا ضمن اشاره به این حدیث معروف که صوفیه غالباً آن را نقل می‌کند و اهل حدیث آن را از کلام پیغمبر نمی‌دانند یک جا نقش انسان را در این تجلی بدین گونه توجیه می‌کند که چون این گنج مخفی از پُری و سرشاری که داشت جوش کرده خاک را سلطان اطلس پوش کرد و در حقیقت وی را خلیفه الهی در عالم و تابان‌تر از افلاک ساخت. جایی دیگر هم که به طور اشارت به تفسیر این حدیث می‌پردازد نشان می‌دهد که آن گنج مخفی چون جز در قلب انسان نمی‌گنجد پس این خانه را که شامل نفس انسان و خودی‌های او نیز هست باید ویران کرد تا به این گنج که در زیر خانه است دست توان یافت و این نیز نتیجه‌ای است که بر وفق مشرب صوفیه از این حدیث اخذ می‌کند.» (زرین کوب، ۱۳۸۶: ۳۸۸)

حدیث قدسی این معنی بیان کرد «فبی یسمع و بی یبصر» عیان کرد  
(شبستری، ۱۳۷۶، بیت ۱۴۲: ۸۰)

تضمین از حدیث قدسی: «لَا يَزَالُ الْعَبْدُ يَتَقَرَّبُ إِلَيَّ بِالنَّوَافِلِ حَتَّىٰ أُحِبَّهُ فَإِذَا أَحْبَبْتُهُ كُنْتُ سَمْعَهُ وَ لِسَانَهُ وَ يَدَهُ وَ رِجْلَهُ فَبِي يَسْمَعُ وَ بِي يُبْصِرُ وَ بِهِ يَنْطَلِقُ وَ بِهِ يَبْطِشُ وَ بِهِ يَمْشِي» (مجلسی، ۱۴۰۶ ق: ۲۰۹)  
ترجمه: با خواندن نمازهای مستحبی بنده، خداوند نزدیک می‌شود تا اینکه او را دوست می‌دارد، و در چنین حالاتی خداوند می‌فرماید: من گوش و چشم و دست و پای او هستم که با آنها می‌شنود، می‌بیند، سخن می‌گوید و در راه خدا می‌ستیزد و راه می‌رود.

«بعضی دیگر از این گونه احادیث قدسی هم که اختصاص به احوال انبیاء ندارد باز معرف همین مشرب صوفیه است: از آن جمله حدیث قرب النوافل است که نزد صوفیه شهرت بسیار دارد، و ابن عربی هم در فص آدمی از فصول الحکم به مناسبت آن که در متن حدیث لفظ سمع و بصر می‌آید نه اذن و عین. در اینجا خاطر نشان می‌کند که حدیث ناظر به صورت الهی انسان است که جلوه‌گاه صفات و اسماء حق محسوب است و در مثنوی هم به مضمون یا فحوای این حدیث اشارت است.» (زرین کوب، ۱۳۸۶: ۳۸۹)

بدان خردی که آمد حبه دل خداوند دو عالم راست منزل  
(شبستری، ۱۳۷۶، بیت ۱۴۹: ۸۱)

بنیاد گرفته از حدیث قدسی: «لَا يَسْعَىٰ أَرْضِي وَلَا سَمَائِي وَلَكِنْ يَسْعَىٰ قَلْبُ عَبْدِي الْمُؤْمِنِ» (ابن ابی جمهور، ۱۴۰۵ ق: ۷)

ترجمه: من در آسمان و زمین نمی‌گنجم اما من در قلب بنده و مؤمنم جا می‌گیریم. قلب مؤمن طرفی است که خداوند در آن دارد. خداوند در قلب مؤمن می‌گنجد. قلب مؤمن طرفی است که خداوند در آن جا دارد. خداوند در قلب مؤمن می‌گنجد. همانطور که مولانا می‌گوید:

گفت پیغمبر که حق فرموده است من نگنجم هیچ در بالا و پست  
در زمین و آسمان و عرش نیز من نگنجم این یقین دان ای عزیز  
در دل مؤمن بگنجم ای عجب گر مرا جویی در آن دلها طلب  
مولوی، ۱۳۷۴، دفتر اول: ۲۶۵۳-۲۶۵۴

بگو سیمرغ و کوه قاف چبود بهشت و دوزخ و اعراف چبود  
(شبستری، ۱۳۷۶، بیت ۱۶۶: ۸۲)

تلمیح است به آیه «وَبَيْنَهُمَا حِجَابٌ وَعَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كُلًّا بِسِيمَاهُمْ وَنَادُوا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ أَنْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ لَمْ يَدْخُلُوهَا وَهُمْ يَطْمَعُونَ» (اعراف / ۴۶)

ترجمه: و میان بهشتیان و دوزخیان حایلی است، و بر بلندای آن مردانی [بامنزلت و بزرگوارند] که هرکدام [از دو گروه بهشتی و دوزخی] را به نشانه‌هایشان می‌شناسند، و بهشتیان را که وارد بهشت نشده‌اند ولی [ورود به آن را] امید دارند ندا می‌دهند: سلام بر شما باد.

همین نبود جهان آخر که دیدی نه «مالا تبصرون» آخر شنیدی؟  
(شبستری، ۱۳۷۶، بیت ۱۶۸: ۸۲)

تضمین از آیه «وَمَا لَأَنْتُمْ بِنُورِنَا» (الحاقه / ۳۹)

ترجمه: و آنچه [از غیر محسوسات] نمی‌بینید!

مشارق یا مغارب را بیندیش چو این عالم ندارد از یکی بیش  
(شبستری، ۱۳۷۶، بیت ۱۷۰: ۸۲)

تلمیح است به آیه «وَأَوْرَثْنَا الْقَوْمَ الَّذِينَ كَانُوا يُسْتَضْعَفُونَ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَعَارِبَهَا الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا  
وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ الْحُسْنَىٰ عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ بِمَا صَبَرُوا وَدَمَّرْنَا مَا كَانَ يَصْنَعُ فِرْعَوْنُ وَقَوْمُهُ وَمَا كَانُوا  
يَعْرِشُونَ» (اعراف / ۱۳۷)

ترجمه: و به آن قومی که همواره زبونشان شمردند شرق و غرب سرزمینی را که در آن  
حاصل خیزی و خیر فراوانی قرار داده بودیم واگذار کردیم، و وعده نیک ما جمعی بر هلاکت  
فرعونیان، و حاکمیت مستضعفان] بر بنی اسرائیل به پاداش صبری که کردند به طور کامل تحقق  
یافت، و آنچه را که فرعون و قومش [از کاخ‌های مجلل] می‌ساختند و سایبان‌ها[ی خوش نشین]  
که می‌افراشتند در هم کوبیدیم.

و آیه «فَلَا أُقْسِمُ بِرَبِّ الْمَشَارِقِ وَالْمَغَارِبِ إِنَّا لَقَادِرُونَ» (المعارج / ۴۰)

ترجمه: به پروردگار مشرق‌ها و مغرب‌ها سوگند که ما مسلماً تواناییم.

فتد یک تاب از او برسنگ خاره شود چون پشم رنگین پاره پاره  
(شبستری، ۱۳۷۶، بیت ۱۷۶: ۸۲)

ترجمه‌ای بسته از آیه: «وَتَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ الْمَنْفُوشِ» (القارعه / ۵)

ترجمه: و کوه‌ها مانند پشم رنگین حلاجی شده [از هم باز] می‌شوند

«اثرپذیری گزارشی: ترجمه، ترجمه آیه و حدیث به پارسی مانند هر ترجمه دیگری گاه بسته  
و پای خوان (=تحت اللفظ) و گاه آزاد و باز): در ترجمه بسته، گرداننده پارسی، هم در معنی و  
مضمون با اصل عربی برابر است، و هم در ساختار بیانی با آن همخوانی دارد. در این شیوه،  
گزاره‌ای قرآنی یا حدیثی، بی آن که معنی و مضمونش چندان کم و بیشی پذیرد و ساختار بیانی‌اش  
چندان دگرگون شود، جامه پارسی می‌پوشد. نمونه را ناصر خسرو در بیت:

قیمت هرکس به قدر علم اوست اینچنین گفته ست امیرالمومنین

(ناصر خسرو، ۱۳۹۳: ۱۸۰)

با یاد کرد نام گوینده، از سخن حضرت مولا که فرمود: «قیمه کل امرء ما یعلم» ترجمه بسته به  
دست داده است.

اما در ترجمه باز و آزاد به ضرورت وزن و قافیه یا ... هم کم و بیشی‌هایی در معنی و مضمون راه می‌یابد و هم چه بسا ساختار بیانی دگرگون می‌شود؛ مثلاً گزاره‌ای انشایی به خبری ترجمه می‌گردد، یا گزاره‌ای سوم شخص به اول شخص یا دوم شخص گزارش می‌شود، نمونه را این بیت‌های مولانا:

گفت پیغمبر که نفتح‌های حق      اندر این ایام می‌آرد سبق  
گوش و هوش دارید این اوقات را      در رباید اینچنین نفتحات را  
(مولوی، ۱۳۷۴: دفتر اول: ۱۹۶-۱۹۷)

ترجمه آزادی است از این سخن رسول (ص) «ان فی آیام دهرکم لفتحات الافتعروضوا لها» همانا که در روزهای زندگی شما نسیم‌های الهی در وزیدند، به هوش باشید و خود را بر آنها عرضه کنید.» (راستگو، ۱۳۹۲: ۳۹-۳۸)

چه کردی فهم از دین عجایز؟      که بر خود جهل می‌داری تو جایز  
(شبستری، ۱۳۷۶، بیت ۱۸۳: ۸۲)

تلمیح است به حدیث نبوی «عَلَيْكُمْ بِدِينِ الْعَجَائِزِ» «بحار الانوار» «مجلسی، ۱۴۰۳ ق: ۱۳۵»  
ترجمه: مانند پیره زن‌ها برای شناخت خدا دلیل بیاورید.

«این استدلال علی بن میثم در برابر ملحد منکر خدا همانند استدلال آن پیره زن است که برای اثبات خداوند که مشهور است. پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) به او برخورد و دست به دسته چرخ داشت و پنبه نخ می‌کرد و حضرتش از او پرسید به چه دلیل پروردگارت را شناختی و آن پیرزن دست ننگه داشت و چرخ از حرکت ایستاد و عرض کرد چرخ به این کوچکی و سبکی بدون محرک نمی‌چرخد و چگونه این آسمان با همه برج و ستارگان بی‌محرک و مدبر در گردش باشند؟ و در اینجا است که از پیامبر نقل شده است «عَلَيْكُمْ بِدِينِ الْعَجَائِزِ» یعنی؛ مانند پیره‌زن‌ها برای شناخت خدا دلیل بیاورید. (کراچکی، بی‌تا: ۳۲۸)

زنان چون ناقصات عقل و دینند      چرا مردان ره ایشان گزینند  
(شبستری، ۱۳۷۶، بیت ۱۸۴: ۸۲)

تلمیح است به حدیث نبوی: «هُنَّ نَاقِصَاتِ الدِّينِ وَالعَقْلِ» (نوری، ۱۴۰۸: ۲۵۶)

ترجمه: شما زنان ناقصان دین و عقل هستید.

بگردان زین همه ای راهرو روی همیشه «لا احب الا فلین» گوی

(شبستری، ۱۳۷۶، بیت ۱۶۸: ۸۳)

تضمین از آیه «فَلَمَّا جَنَّ عَلَيْهِ اللَّيْلُ رَأَى كَوْكَبًا قَالَ هَذَا رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَأُحِبُّ الْأَفْلِينَ» (الانعام / ۷۶)

ترجمه: چون [تاریکی] شب او را فراگرفت ستاره‌ای بسیار روشن دید [با تظاهر به ستاره پرستی] گفت: این است پروردگار و مدبّر من! زمانی که ستاره غروب کرد، گفت: من غروب کنندگان را [که غروبشان نشانه مخلوق بودن آنان است] دوست ندارم.

برو اندر پی خواجه به آسری تفرج کن همه آیات کبری

(شبستری، ۱۳۷۶، بیت ۱۹۵: ۸۳)

وا گرفته از آیه «سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ

لُنُرِّيهِ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ» (الاسراء / ۱)

ترجمه: [از هر عیب و نقصی] پاک است آن [خداوندی] که شبی بنده‌اش صلى الله عليه وآله را از

مسجدالحرام به مسجد الاقصی، که پیرامونش را خجسته و پُرخیخیر قرار داده‌ایم حرکت داد تا بخشی از نشانه‌های [قدرت و عظمت] خود را به او نشان دهیم، مسلماً خداوند شنوا و داناست.

**اثرپذیری واژگانی:** در این شیوه اثرپذیری شاعر در به کارگیری پاره‌ای از واژه‌ها و ترکیب‌ها،

وامدار قرآن و حدیث است، یعنی واژه‌ها و ترکیب‌هایی را در شعر خویش می‌آورد که ریشه قرآنی و حدیثی دارند، و مستقیم یا غیرمستقیم توسط خود شاعر یا دیگران به زبان و ادب فارسی راه یافته‌اند، و اگر قرآن و حدیث نمی‌بود، زبان و ادب ما نیز از آن واژه‌ها و ترکیب‌ها، یا به طور کلی و یا با معنی ویژه اسلامی آنها بی بهره می‌بود، و از اینجا است که می‌توان گفت فرهنگ اسلامی و دو سرچشمه جوشان آن- قرآن و حدیث- در کنار حقوق بزرگی که بر گردن فرهنگ ایرانی دارد، در باروری و نیرو بخشی زبان فارسی و افزایش بار واژگانی آن نیز حقی عظیم و متنی بزرگ دارد. اثرپذیری واژگانی خود به سه شیوه وام‌گیری، ترجمه و برآیندسازی بخش پذیر است.

بـرون آی از سـرای اُمّ هـانی بگو مطلق حدیث «من رآنی»  
(شبستری، ۱۳۷۶، بیت ۱۹۶: ۸۳)

تضمین است به حدیث نبوی «مَنْ رَأَى فَقَدْ رَأَى الْحَقَّ» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق: ۲۳۵)

ترجمه: هرکس من را ببیند خدا را دیده است.

گذاری کن ز کاف کنج کونین نشین در قاف قرب قاب قوسین  
(شبستری، ۱۳۷۶، بیت ۱۹۷: ۸۳)

تضمین از آیه «فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَىٰ» (النجم / ۱۹)

ترجمه: تا این که [فاصله اش با پیامبر به اندازه] دو کمان یا نزدیک‌تر گشت.

دهد حق مر تو را هرچ آن بخواهی نماید چشمت اشیا را کماهی  
(شبستری، ۱۳۷۶، بیت ۱۹۸: ۸۳)

وام گرفته از حدیث نبوی «اللهم أرنا الاشیا کما هی» «عوالی اللثالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیّه»  
(ابن ابی جمهور، ۱۴۰۵ ق: ۱۳۲)

ترجمه: خداوندا حقیقت و واقعیت اشیا را آن گونه که هست به من نشان بده.

سیم آیت دراو شد عرش رحمان چهارم آیت الکرسی همی دان  
(شبستری، ۱۳۷۶، بیت ۲۰۴: ۸۴)

مصرع اوّل تلمیح است به آیه «الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَىٰ الْعَرْشِ الرَّحْمَنِ فَسُئِلَ بِهِ خَبِيرًا» (فرقان / ۵۹)

ترجمه: خداوند است که آسمان‌ها و زمین و آنچه را میان آن‌هاست در شش دوره آفرید،

سپس به [امر] حاکمیت [و تدبیر بر همه امور آفرینش] چیره شد، برای شما در برابر او هیچ

سرپرست و شفیع نیست، [با این حال] آیا [نسبت به توحید و یگانگی حق] متذکر [و هشیار]

نمی‌شوید؟!]

مصرع دوم تلمیح است به آیه «اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ» (البقره / ۲۵۵)

ترجمه: خداوند یکتا که جز او هیچ معبودی نیست، زنده جاوید و قائم به ذات است، هیچ گاه خواب سُبک و سنگین او را فرا نمی گیرد، آنچه در آسمانها و زمین است در سیطره مالکیت و فرمانروایی اوست، چه کسی است که جز به اجازه او در پیشگاهش شفاعت کند؟ خداوند آنچه پیش روی مردم می باشد [که مجموع حوادث و جریانات آینده است] و آنچه پشت سر آنان است [که مجموع اتفاقات گذشته است] می داند، و آنان به چیزی از علم او جز آنچه دانستنش را [برای آنان] بخواهد احاطه پیدا نمی کنند، کرسی [علم و حکومت و قدرت] او آسمانها و زمین را فرا گرفته، و نگهداری آنها بر او دشوار و خستگی آور نیست؛ او بلند مرتبه و بزرگ است.

پس از وی حرفهای آسمانی است که در وی سورت سبع المثانی است

(شبستری، ۱۳۷۶، بیت ۲۰۵: ۸۴)

تلمیح است به آیات سوره فاتحه الكتاب که هفت آیه دارد و در هر نماز دو بار خوانده می شود. «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ، إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ، اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ، صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ» (الفاتحه / ۱، ۷)

ترجمه: به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی، همه ستایشها ویژه خدا، پروردگار جهانیان است، رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی، تنها او فرمانروای روز پاداش و کیفر است، [پروردگارا!] فقط تو را می پرستیم، و [در همه امورمان] تنها از تو یاری می خواهیم، ما را به راه راست راهنمایی کن، راه کسانی که نعمتها [ی مادی و معنوی] را عطایشان کردی، که نه بر آنان خشم گرفتی و نه گمراهند.

چرا کردند نامش عرش رحمان چه نسبت دارد او با قلب انسان

(شبستری، ۱۳۷۶، بیت ۲۱۲: ۸۴)

تلمیح است به حدیث نبوی «قلب المؤمن عرش الرحمن» «بحار الانوار» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق: ۳۹) ترجمه: قلب مؤمن عرش خدا است.

پس از وی همچو عرجون قدیم است      ز تقدیر عزیزی کو علیم است  
(شبستری، ۱۳۷۶، بیت ۲۳۳: ۸۵)

وام گرفته از آیه «وَالْقَمَرَ قَدَرْنَا مِنْ مَنَازِلٍ حَتَّىٰ عَادَ كَالْعُرْجُونِ الْقَدِيمِ» «یس / ۳۹» ترجمه: برای ماه نیز به تدبیر خود منزل‌هایی قرار داده‌ایم، تا این که [پس از طی منازل معینش] به صورت شاخه کهنه خوشه خرما، [به صورت اول] باز می‌گردد.

کلام حق همی ناطق بدین است      که باطل دیدن از «ظَنُّ الَّذِينَ» است  
(شبستری، ۱۳۷۶، بیت ۲۳۵: ۸۵)

تضمین از آیه «ذَلِكَ ظَنُّ الَّذِينَ كَفَرُوا فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنَ النَّارِ» «ص / ۲۷» ترجمه: این [بیهوده آفریده شدن] پندار [واهی] کافران است، پس وای بر کافران از آتش [دوزخ]!.

ظلومی و جهولی ضد نورند      ولیکن مظهر عین ظهورند  
(شبستری، ۱۳۷۶، بیت ۲۶۲: ۸۷)

تلمیح است به آیه «إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا» «الاحزاب / ۷۲»

ترجمه: ما امانت را [که تکالیف و مسئولیت‌های اختیاری شرعی است] بر آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها عرضه کردیم، و آن‌ها از به عهده گرفتنش [به علت نداشتن استعداد] سر باز زدند و از [پذیرفتن] آن ترسیدند، و انسان آن را به عهده گرفت، بی‌تردید او [به خاطر ادا نکردن امانت] بسیار ستمکار، و [نسبت به سرانجام خیانت در امانت] بسیار نادان است.

تو بودی عکس معبود ملایک      از آن گشتی تو مسجود ملایک  
(شبستری، ۱۳۷۶، بیت ۲۶۵: ۸۷)

اثرپذیری الهامی - بنیادی



بنیاد گرفته از حدیث نبوی: «ان الله خلق آدم علی صورته» (کلینی، ۱۴۰۷:ق: ۱۳۴)  
ترجمه: به دستی که خداوند آدم را بر صورت خود آفرید.

کند یک رجعت از سَجِّين فُجَّار رخ آرد سوی علیین ابرار  
(شبستری، ۱۳۷۶، بیت ۳۲۸: ۹۰)

حل از آیات «كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْفُجَّارِ لَفِي سَجِّينٍ وَمَا أَدْرَاكَ مَا سَجِّينٌ؛ كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْأَبْرَارِ لَفِي عَلِيِّينَ وَمَا  
ادراک ما علیون» (المطففين / ۷، ۸، ۱۷، ۱۸)

ترجمه: چنین نیست [که خیال می کنند با کم فروشی پرونده ای نخواهند داشت] قطعاً پرونده  
بدکاران در «سَجِّين است» و تو، چه می دانی که سَجِّين چیست؟ چنین نیست [که این ابلهان در باره  
نیکان می پندارند، بلکه] همانا پرونده نیکان در «عَلِيِّين» است.

اثر پذیری گزاره‌ای: این اثر پذیری خود به دو گونه اقتباس و حل بخش پذیر است:  
الف- اقتباس و تضمین ب- حل: تنگنای وزن و قافیه از یک سو و اشتیاق به اقتباس از دیگر سو،  
گاه گوینده را و می دارد تا برای آذین بندی سخن خویش به آیه و حدیث، بیش از پیش آنها را  
دگرگون و دستکاری کند و چه بسا ساختار اصلی آنها را از هم بپاشاند.» (راستگو، ۱۳۹۲: ۳۴)

به توبه متصف گردد در آن دم شهود در اصطفای اولاد آدم  
(شبستری، ۱۳۷۶، بیت ۳۲۹: ۹۰)

تلمیح است به آیه «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَنُوحًا وَآلَ إِبْرَاهِيمَ وَآلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ» (آل عمران / ۳۳)  
ترجمه: همانا خداوند آدم و نوح و خاندان ابراهیم و خاندان عمران را [به سبب شایستگی های  
ویژه‌ای که در آنان بود] بر جهانیان برگزید.

ز افعال نکوهیده شود پاک چو ادریس نبی آید بر افلاک  
(شبستری، ۱۳۷۶، بیت ۳۳۰: ۹۰)

تلمیح است به آیه «وَأَذْكُرُ فِي الْكِتَابِ إِدْرِيسَ إِنَّهُ كَانَ صِدِّيقًا نَبِيًّا، وَرَفَعْنَاهُ مَكَانًا عَلِيًّا» (مریم / ۵۶، ۵۷)  
ترجمه: و در این کتاب [که به تو وحی کردیم، سرگذشت] ادریس را یاد کن، که بسیار راستگو  
و درست کردار، و دارای مقام نبوت بود، و او را به جایگاه بلندی ارتقاء دادیم.

رسد چون نقطه آخر به اول در آنجا نه ملک گنجد نه مرسل  
(شبستری، ۱۳۷۶، بیت ۳۳۶: ۹۱)

اثرپذیری الهامی - بنیادی

بنیاد گرفته از حدیث نبوی: «لِي مَعَ اللَّهِ وَقْتُ لَأَيْسَعُنِي فِيهِ مَلَكٌ مُقَرَّبٌ وَلَا نَبِيٌّ مُرْسَلٌ» (صدرالدین شیرازی، ۱۳۸۶: ۴۰۱)

ترجمه: مرا با خداوند وقتی است که در آن حالت گنجایش ندارد نه ملک مقرب و نه نبی مرسل.  
نبی چون آفتاب آمد، ولی ماه مقابل گردد اندر «لی مع الله»  
(شبستری، ۱۳۷۶، بیت ۳۳۷: ۹۱)

تضمین است از حدیث نبوی: «لِي مَعَ اللَّهِ وَقْتُ لَأَيْسَعُنِي فِيهِ مَلَكٌ مُقَرَّبٌ وَلَا نَبِيٌّ مُرْسَلٌ»  
(صدرالدین شیرازی، ۱۳۸۶: ۴۰۱)

ترجمه: مرا با خداوند وقتی است که در آن حالت گنجایش ندارد نه ملک مقرب و نه نبی مرسل.

ز «إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ» یابد او راه به خلوتخانه «يُحِبُّكُمْ اللَّهُ»  
(شبستری، ۱۳۷۶، بیت ۳۴۱: ۹۱)

تضمین از آیه «قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحِبُّكُمْ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ» «آل عمران / ۳۱»

ترجمه: [ای پیامبر!] بگو: اگر خدا را دوست دارید پس [قاطعانه] از من پیروی کنید تا خدا هم [به پاداش پیروی از من] شما را دوست بدارد و گناهانتان را ببامرزد؛ خداوند بسیار آمرزنده و مهربان است.

همه با او ولی او از همه دور به زیر قبه‌های سر مستور  
(شبستری، ۱۳۷۶، بیت ۳۵۱: ۹۱)

تلمیح به حدیث نبوی «اولیائی تحت قبای لا یعرفهم غیری» «روضة المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه» (مجلسی، ۱۴۰۶ ق: ۲۸۵)

ترجمه: دوستان من تحت خیمه‌های من اند و کسی آن‌ها را نمی‌شناسد.

چو کرد او بر صراط حق اقامت      به امر «فَاسْتَقِمُّ» می‌داشت قامت  
(شبستری، ۱۳۷۶، بیت ۳۸۰: ۹۳)

تضمین از آیه «فَاسْتَقِمُّ كَمَا أُمِرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطْغَوْا إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ» (هود/ ۱۱۲)

ترجمه: پس همان گونه که فرمان یافته‌ای ایستادگی کن! و نیز آنان که همراهت [به سوی خدا] روی آورده‌اند [در برابر حوادث بایستند]، [ای امت!] سرکشی نکنید که خداوند به آنچه انجام می‌دهید بیناست!

ورا قبله میان غرب و شرق است      ازیرا در میان نور غرق است  
(شبستری، ۱۳۷۶، بیت ۳۸۲: ۹۳)

بنیاد گرفته از حدیث نبوی: «مَا بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ قِبْلَتِي» (ابن بابویه، ۱۴۱۳ ق/ ۲۷۸)  
ترجمه: فاصله بین مشرق و مغرب قبله است.

به دست او چو شیطان شد مسلمان      به زیر پای او شد سایه پنهان  
(شبستری، ۱۳۷۶، بیت ۳۸۳: ۹۳)

اثرپذیری گزارشی: حدیث نبوی «أَسْلَمَ شَيْطَانِي عَلَى يَدِي» (صدرالدین شیرازی، ۱۳۸۶: ۲۳۲)  
ترجمه: شیطان من به دست من مسلمان شد. معنای این سخن این است که چون نفس من با هدایت الهی و مجاهدت‌هایم رام شد زمینه‌ای برای نفوذ شیطان در وجود من وجود ندارد.

کنون هر عالمی باشد ز امت      رسولی را مقابل در نبوت  
(شبستری، ۱۳۷۶، بیت ۳۸۷: ۹۳)

تلمیح است به حدیث نبوی «عُلَمَاءُ أُمَّتِي كَأَنْبِيَاءِ بَنِي إِسْرَائِيلَ» (ابن ابی جمهور، ۱۴۰۵ ق: ۷۷)  
ترجمه: علمای امت من همچون پیامبران بنی اسرائیل هستند.

کسی کو از نوافل گشت محبوب      به لای نفی کرد او خانه جاروب  
(شبستری، ۱۳۷۶، بیت ۴۰۰: ۹۴)

تلمیح است به حدیث قدسی: «لا يزال العبد يتقرب الي بالنوافل حتى احبه فاذا احبته كنت له سمعاً و بصراً و يداً و لساناً و بى يسمع و بى ينطق و بى يبسط» «رَوْضَةُ الْمُتَّقِينَ فِي شَرْحِ مَنْ لَا يَحْضُرُهُ الْفَقِيه» (مجلسی، ۱۴۰۶ ق: ۲۰۹)

**ترجمه:** با خواندن نمازهایی مستحبی بنده - خداوند نزدیک می‌شود تا اینکه او را دوست می‌دارد و در چنین حالاتی خداوند می‌فرماید من گوش و چشم و دست‌های او هستم که با آنها می‌شنود، می‌بیند، سخن می‌گوید و در راه خدا می‌ستیزد و راه می‌رود.

درون جای محمود او مکان یافت      ز بی یسمع و بی بصر نشان یافت  
(شبستری، ۱۳۷۶، بیت ۴۰۱: ۹۴)

مصراع اول تلمیح است به آیه «وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَكَ عَسَىٰ أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا» (اسراء / ۷۹)

**ترجمه:** و پاسی از شب به بندگی و عبادت بیدار باش! که [این افزون بر نمازهای واجب] ویژه توست، امید است پروردگارت تو را [به سبب این عبادت ویژه] به جایگاهی ستوده برانگیزد.

مصراع دوم تضمین از حدیث قدسی: «لا يزال العبد يتقرب الي بالنوافل حتى احبه، فاذا احبته كنت له سمعاً و بصراً و لساناً. فبى يسمع و بى ينطق و بى يبسط» «رَوْضَةُ الْمُتَّقِينَ فِي شَرْحِ مَنْ لَا يَحْضُرُهُ الْفَقِيه» (مجلسی، ۱۴۰۶ ق: ۲۰۹)

**ترجمه:** با خواندن نمازهای مستحبی بنده به خداوند نزدیک می‌شود تا این که او را دوست می‌دارد و در چنین حالاتی خداوند می‌فرماید من گوش و چشم و دست و پای او هستم. که با آنها می‌شنود، می‌بیند، سخن می‌گوید و در راه خدا می‌ستیزد و راه می‌رود.

چو ذات پاک گردد از همه شین      نمازت گردد آنکه قره العین  
(شبستری، ۱۳۷۶، بیت ۴۱۰: ۹۵)

اقتباس از حدیث نبوی «و جعل قره عینی فی الصلاة» (کلینی، ۱۴۰۷ ق: ۳۲۱)

**ترجمه:** قرار داده شده است نورچشم من در نماز.

الست بر بکم ایزد چرا گفت که بود آخر که آن ساعت بلی گفت؟

(شبستری، ۱۳۷۶، بیت ۴۱۷: ۹۵)

تضمین است از آیه «وَإِذَا أَخَذَ رَبُّكَ مِن بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ أَلَسْتَ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ شَهِدْنَا أَن تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ» «اعراف / ۱۷۲»

ترجمه: هنگامی که پروردگارت از صُلب بنی آدم نسلشان را پدید آورد، و آنان را [از طریق فطرت در ارتباط با پروردگاری‌اش] بر خودشان شاهد گرفت [و گفت: آیا من پروردگار و مدبّر امور شما نیستم؟] انسان‌ها بر پایه فطرتشان با توجه به وابستگی وجودشان، و وجود همه موجودات به پروردگار] گفتند: آری، بر این حقیقت شاهدیم. [این اقرار را گرفتیم] تا روز قیامت بگویند ما از پروردگاری ات بی‌خبر بودیم!

وگر نه رنج خود ضایع مگردان برو بنیوش «لاتهدی» ز قرآن

(شبستری، ۱۳۷۶، بیت ۴۲۴: ۹۵)

تضمین است از آیه «إِنَّكَ لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ» «قصص / ۵۶»

ترجمه: مسلماً تو نمی‌توانی کسی را که دوست داری هدایت کنی، بلکه خداوند هر که را بخواهد هدایت می‌کند، و او به هدایت پذیران داناتر است.

اگر خواهی که گردد بر تو آسان «وإن من شئ» را یک ره فرو خوان

(شبستری، ۱۳۷۶، بیت ۴۳۸: ۹۶)

تضمین است از آیه «تُسَبِّحُ لَهُ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا» «الاسراء / ۴۴»

ترجمه: آسمان‌های هفت گانه و زمین و هر کس در آن هاست او را با تسبیح گفتن، [از هر عیب و نقصی] پاک و مبرا می‌دارند، و هیچ چیز نیست مگر این که همراه با ستایش او تسبیح می‌گوید، ولی شما تسبیح آن‌ها را نمی‌فهمید، یقیناً او بردبار و بسیار آمرزنده است.

برآور پنبه پندارت از گوش ندای «وَاحِدِ الْقَهَّارِ» بنیوش

(شبستری، ۱۳۷۶، بیت ۴۴۰: ۹۶)

اقتباس است از آیه «يَوْمَ هُمْ بَارِزُونَ لَا يَخْفَىٰ عَلَى اللَّهِ مِنْهُمْ شَيْءٌ لِّمَنِ الْمُلْكُ الْيَوْمَ لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ»  
(غافر / ۱۶)

ترجمه: روزی که همه انسان‌ها حاضر می‌شوند [و اعمال و اسرارشان آشکار می‌گردد]، چیزی از آنان بر خدا پوشیده نمی‌ماند، [و ندا آید]: امروز فرمانروایی مطلق ویژه کیست؟ ویژه خداوند یگانه قاهر [و چیره بر همه امور] است.

در آ در وادی ایمن که ناگاه درختی گویدت «إِنِّي أَنَا اللَّهُ»  
(شبستری، ۱۳۷۶، بیت ۴۴۲: ۹۶)

تضمین است از آیه «فَلَمَّا آتَاهَا نُودِي مِنْ شَاطِئِ الْوَادِ الْأَيْمَنِ فِي الْبُقْعَةِ الْمُبَارَكَةِ مِنَ الشَّجَرَةِ أَنْ يَا مُوسَىٰ إِنِّي أَنَا اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ» (قصص / ۳۰)

ترجمه: چون نزد آتش آمد، از راست آن وادی در آن قطعه [زمین] خجسته و پرخیر، از درخت ندا آمد که: ای موسی! به راستی این منم خداوند، پروردگار جهانیان!

شود با وجه باقی غیر هالک یکی گردد سلوک و سیر و سالک  
(شبستری، ۱۳۷۶، بیت ۴۴۹: ۹۷)

تلمیح است از آیه «وَلَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ لَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ» (القصص / ۸۸)

ترجمه: با خداوند معبود دیگری را مخوان! جز او معبودی وجود ندارد، هر چیزی جز ذات او فانی و نابود است، فرمانروایی [بر ظاهر و باطن هستی] فقط در اختیار اوست، و همه را به سوی او باز می‌گردانند.

چو موجی بر زند گردد جهان طمس یقین گردد کان لم تغن بالأمس  
(شبستری، ۱۳۷۶، بیت ۵۰۳: ۱۰۰)

تضمین است از آیه «إِنَّمَا مَثَلُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَاءٍ أَنْزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ مِمَّا يَأْكُلُ النَّاسُ وَالْأَنْعَامُ حَتَّىٰ إِذَا أَخَذَتِ الْأَرْضُ زُخْرُفَهَا وَازْبَيَّتْ وَظَنَّ أَهْلُهَا أَنَّهُمْ قَادِرُونَ عَلَيْهَا أَتَاهَا أَمْرُنَا لَيْلًا أَوْ نَهَارًا فَجَعَلْنَاهَا حَصِيدًا كَأَنْ لَمْ تَغْن بِالْأَمْسِ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» (يونس / ۲۴)

ترجمه: جز این نیست که زندگی دنیا [در زودگذربودن و پایان یافتن] مانند آبی است که از آسمان فرستادیم، پس رویدنی‌های زمین از آنچه مردم و چهار پایان از آن می‌خورند با آن آب درآمیخت، و نهایتاً رشد و نمو یافت تا جایی که زمین [سرسبزی و] زیبایی‌اش را [از آن همه رویدنی‌های متنوع و رنگارنگ، بر خود] می‌گیرد و آراسته می‌گردد، و اهل آن یقین می‌کنند که قدرت بر [بهره برداری از] آن [همه سرسبزی و زیبایی را] دارند، ناگهان فرمان ما در شبی یا روزی [به صورت سرمای سخت یا صاعقه‌ای آتش‌زا یا سیلی بنیان‌کن] به زمین می‌رسد، در نتیجه همه رویدنی‌ها را به صورت [گیاهان خشک] دروشده درمی‌آوریم، که گویی دیروز [چنین سرسبزی و زیبایی] وجود نداشته، ما این گونه، نشانه‌ها [ی قدرت خود] را برای اندیشمندان [که از هر رویدادی درس می‌گیرند] بیان می‌کنیم.

### نتیجه‌گیری

منظومه عرفانی گلشن راز با بستر تعلیمی صوفیه که ادب و معارف والای آن برگرفته از دانش قرآنی است و از جنبه‌های بلاغی در خور توجه می‌باشد. بررسی ابیات گلشن راز نشان می‌دهد که شیخ محمود شبستری تعهد علمی و دینی- اخلاقی خود را با ارائه پاسخ‌ها به سؤالات امیر حسینی هروی در سرچشمه‌های قرآنی جستجو کرده است و با دلایل متقن و عقلی، شیرازه سؤالات را با منابع لایزال قرآن و احادیث به هم پیوند داده است.

این مقاله نتیجه‌گیری می‌کند که شیخ محمود شبستری علاوه از بیان نکات عرفانی نظری با اساس قرارداد سخن خود بر نکات قرآنی و اثر پذیر ساختن شگردهای بلاغی مورد توجه، با هنر ادبی منحصر بفرد، زمینه مناسب برای جلوه‌های هنری بوجود می‌آورد. همینطور آشکار می‌شود که روش تأثیر پذیری شبستری از نوع اثر پذیری الهامی - بنیادی که پیوند بین ترجمه از آیه و حدیث را در شعر با همواری پیش برده است، در اثر پذیری واژگانی، گزاره‌ای و گزارشی نیز هنرنمایی کرده است. به کارگیری واژه‌ها و ترکیبات در تلمیحات نیز در وام‌گیری، ترجمه و برآیندسازی از یافته‌های دیگر این مقاله می‌باشد.



فهرست منابع و مأخذ:

- ۱ - قرآن کریم.
- ۲ - ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین، (۱۴۰۵ق)، *عوالی اللثالی العزیزیه فی الاحادیث الدینیه*، عراقی، قم: دار سیدالشهداء للنشر، چاپ اول.
- ۳ - ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۴۱۳ق)، *من لایحضره الفقیه*، به کوشش علی اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به مجامع مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم.
- ۴ - پاینده، ابوالقاسم، (۱۳۸۲)، *نهج الفصاحه*، تهران: دنیای دانش.
- ۵ - حافظ برسی، رجب بن محمد، (۱۴۲۲ق)، *مشارق انوار الیقین فی حقایق اسرار امیرالمومنین (ع)*، به اهتمام سیدعلی عاشور، تهران: اعلامی، چاپ اول.
- ۶ - حلبی، علی اصغر، (۱۳۷۷)، *تجلی قرآن و حدیث در ادبیات فارسی*، چاپ پنجم، تهران: اساطیر.
- ۷ - دزفولیان، کاظم، (۱۳۸۴)، *گلشن راز شیخ محمود شبستری*، تهران: نشر طلایه.
- ۸ - ناصر خسرو، ابو معین بن حارث، (۱۳۹۳)، *دیوان اشعار*، به اهتمام مجتبی مینوی و مهدی محقق، تهران: دانشگاه تهران.
- ۹ - راستگو، سید محمد، (۱۳۹۲)، *تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی*، تهران: سمت، چاپ دهم.
- ۱۰ - خزین کوب، عبدالحسین، (۱۳۸۶)، *سرنی*، تهران: نشر علمی، چاپ یازدهم.
- ۱۱ - شبستری، شیخ محمود، (۱۳۷۶)، *گلشن راز*، به اهتمام کاظم دزفولیان، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- ۱۲ - شمیسا، سیروس، ۱۳۶۶، *فرهنگ تلمیحات*، تهران: فردوس.
- ۱۳ - صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، (۱۳۸۶)، *شرح اصول کافی*، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، چاپ اول.
- ۱۴ - کراچی، علامه محمد بن علی، (بی تا)، *ترجمه کنز الفوائد*، به کوشش محمدباقر کمره‌ای، ایران: ناشر (بی نا)

- ۱۵ کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ق)، *الکافی*، به تصحیح علی اکبر غفاری، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم.
- ۱۶ مجذوب تبریزی، محمد، (۱۳۸۷)، *الهدایا لشیعہ ائمه الہدی*، به کوشش درایتی، تهران: دارالحدیث، چاپ اول.
- ۱۷ مجلسی، محمد تقی بن مقصود علی، (۱۴۰۳ق)، *بحارالانوار*، به اهتمام موسوی کرمانی و اشتیاری، قم: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانبور، چاپ دوم.
- ۱۸ مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، (۱۴۰۶ق)، *روضه المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه*، به کوشش جمعی از محققان، بیروت: دارالحیاء التراث العربی، چاپ دوم.
- ۱۹ موحد، صمد، (۱۳۶۵)، *مجموعه آثار شیخ محمود شبستری*، تهران: نشر طهوری.
- ۲۰ مولوی بلخی، جلال الدین محمد، (۱۳۷۴)، *مثنوی معنوی*، به تصحیح نیکلسون، تهران: عرفان.
- ۲۱ - نوری، حسین بن محمد تقی، (۱۴۰۸ق)، *مستدرک الوسائل ومستنبط المسائل*، قم: مؤسسه آل‌البیت علیه السلام چاپ اول.